خاطرات سردار ظفر

بختیاری، خسروخان

سیم محرم 1337 قمری حاج ابراهیم خان ضرغام السلطنه بدرود جهان گفت ما همگی فرادنبه رفتیم و پس از ختم و تعزیت بازماندگان را تسلیت داده رفتم دهکرد ناخوشی‏ زکام سخت همه جا سرایت کرده بود این مرض در آخر قحطی بروز کرد در بختیاری هم‏ بود در تمام ایران بلکه در بیشتر از ممالک دنیا این مرض پیدا شد و چنانکه شنیده شد در تمام دنیا دوازده کرور ازین مرض هلاک شدند در قشقائی شیوعی داشت و نسبتا"بیش از همه جا مردم را کشت در طهران چنان هوا مسموم شده بود که تا چند روز کسی در پی‏ کسب و کار خود نتوانست برود.

حکومت اصفهان را با امیر مفخم و مرتضی قلی خان بود آنها هم ضعف دولت دیدند و دانستند که بسوارهای حکومت حقوق نمیرسانند جعفر قلی دزد را نایب الحکومهء لنجان‏ و رضا جوزانی شریر را نایب الحکومهء جوشقان کردند حکومت آنها هم دوامی نکرد.

انگلیس‏ها ماهی شانزده هزار تومان بحکومت بختیاری میدادند که در نظم و نسق‏ اطراف اصفهان ساعی و جاهد باشند.در این سال انگلیس‏ها گفتند از دولت ایران تقاضا می‏کنیم که حکومت اصفهان را بشما بدهد تا شما بقوهء سوار بختیاری رضا و جعفر قلی را رفع و دفع کنید بر من هم ناگوار و ناپسند بود که مردمان دزد آدم‏کش در اطراف اصفهان‏ نایب الحکومه باشند و فرمان‏روائی کنند زیرا ترحم بر اینگونه اشخاص ظلم بر نوع است‏ چنانکه گفته‏اند:

ترحم بر پلنگ تیز دندان‏ ستمکاری بود بر گوسفندان

در این وقت جنگ اروپا خاتمه یافت متفقین کار را از پیش بردند آلمان و اطریش و عثمانی شکست خوردند چون ملت آلمان از طول مدت جنگ که چهار سال پی‏درپی بود خسته شده بودند شورش کردند و پادشاه مملکت خود را بیرون کردند دولی که با او متحد بودند صلح کردند و فایده این جنگ تمام عاید انگلیس و فرانسه و دیگر شرکا شد انگلیس‏ها پس از جنگ اروپا برای دفع رضا و جعفر قلی مجد شدند من گفتم اگر حکومت‏ بختیاری را هم جزو حکومت اصفهان بمن واگذار می‏کنند من این کار را بعهده گرفته کار رضا و جعفر قلی را هم خاتمه می‏دهم گفتند شما کمک از حیث سواره و پیاده اگر می‏کنید ما سردار جنگ را حاکم اصفهان می‏کنیم تا بکمک و همراهی شما اشرار را دفع کند من گفتم‏ اگر سردار اشجع بشنود که سردار جنگ بانتخاب من حاکم اصفهان شده از من می‏رنجد گفتند ما سردار اشجع را راضی می‏کنیم.

انگلیس‏ها با وثوق الدوله قراردادی کردند مشتمل بر چند ماده که از آن جمله تعیین‏ حکام جنوب ایران بود که بایستی انگلیسی‏ها معین کنند مشروط باینکه پس از افتتاح مجلس‏ شورای ملی وکلا رأی بدهند و این قرارداد را تصدیق کنند این قراداد برای ایران زیان داشت‏ و برای انگلیس‏ها سودمند بود روس‏ها هم در آنوقت ضعیف شده بودند حکومت تزاری‏ مضمحل شده بود و جنگ داخلی بلشویک بازی رواجی کامل داشت و نفوذ انگلیس‏ها سرتاسر ایران را فراگرفته بود.

در همین اوقات سردار اشجع و سردار فاتح از من سخت رنجیده بودند من هم که در بهبهان بودم امیر مجاهد کنایتا"نه صراحتا"بمن نوشته بود که اکنون هنگام آن است که‏ اولاد مرحوم حاج ایلخانی در بختیاری شرکت نداشته باشند من نوشتم هرگز چنین کاری‏ نخواهم کرد اگر شما از سردار اشجع آزرده‏خاطر شده‏اید با برادرهایش که بر ضد او هستند متحد بشوید حتی اینکه سردار اقدس هم نوشته بود خوبست سردار ظفر با همراهی و مساعدت‏ انگلیس‏ها دست اولاد حاج ایلخانی را از بختیاری قطع کند.

سردار اسعد در همین وقت رفته بود عراق پیش امیر جنگ حاج ابو الفتح احمد خسروی‏ هم برای ملاقات او میرفت امیر مجاهد بتوسط حاج ابو الفتح بسردار اسعدنامه نوشته بود و در آن نامه اظهار کرده بود که باید سردار ظفر اولاد حاج ایلخانی را از حکومت بختیاری‏ منع کرده دست آنها را از بختیاری کوتاه کند اسبی برای سردار اسعد فرستاده بود وقتی‏ که من آمدم ییلاق سردار اسعد بمن نوشت که منفصل کردن اولاد حاج ایلخانی از حکومت‏ بختیاری که شرکت در حکومت نداشته باشند کار آسانی نیست در این موقع که اکثر اهالی‏ ایران با ما بچشم عداوت نظر می‏کنند ما هم شروع بجنگ خانه برانداز داخلی کنیم جز اینکه تیشه بریشه خود بزنیم نتیجهء نخواهیم برد از این‏گونه عبارت نصیحت‏آمیز نامهء دراز بالائی نوشته بود من چون آن نامه را خواندم مات و حیران شدم برای اینکه هیچ درین‏ خیال نبودم خبر هم نداشتم در جواب نوشتم من هرگز از این خیال را در بیداری که‏ نکرده‏ام هیچ در خواب بدین خیال نبوده‏ام این شایعات امیر مجاهد است.